



پوشیدن پرچم جنایتکاران با توجیه عشق به فوتبال!

صفحه ۲

شهرلا نوری



۳۰ خرداد یک روز سیاه در تاریخ بشریت!

صفحه ۴

آذر ماجدی

ارقام سخن می گویند: وضعیت نابرابر و فلاکت جهانی به زبان آمار

صفحه ۶

شهرلا نوری

تظاهرات
در گوتنبرگ
در مناسبت
۳۰ خرداد

تظاهرات زنان
در تهران برای ورود
به استادیوم

مبارزه
با فحشاء

از یک دنیای بهتر
نوشته منصور حکمت

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



ابراز اندام می کنند انگار که "پدر تاج دارشان" هنوز بر تخت شاهی نشسته است.

بخشی دیگر با پرچمها و یا لباسهایی سه رنگ بدون نماد شیر و خورشید و الله آمده اند و حاضر نیستند علیرغم حضورشان در صحنه تشویق تیم اعزامی از رژیم صد هزار اعدام، خود را با جمهوری اسلامی تداغی کنند.

در اینجا لازم نمی بینم که به نفس حمل پرچم بعنوان یکی از نمادهای برجسته دولت - ملت در نظام سرمایه داری جهانی اشاره کنم. از نظر من پرچمهای گوناگون بعنوان نماد ملی تمام کشورهای جهان، تا به امروز آنقدر به خون و جنایت آغشته هستند که هیچ یک بر آن دیگری برتری ندارد. اما هدف اصلی از این نوشته کوتاه اشاره ای است به تلاش رژیم اسلامی برای تثبیت پرچمی که یادآور حکومت جنایتکار اسلامی است. اما بنظر می رسد که جام جهانی فرصتی است که رژیم می کوشد تاریخ ۳۵ سال جنایت خویش را بزک کند.

کم نیستند مردمی که برای حفظ منافع کوتاه مدت خود زیر علم و کتل رژیم اسلامی رفته اند. در بهترین حالت سرشان را زیر برف کرده اند به این خیال خام که دشمنان دیده نمی شود. مقیمان خارجی که به صندوقهای رای مراجعه کرده اند تا شناسنامه شان مهر اعتبار دریافت کند و در سفرهای پی در پی خود به ایران مراتب چاکری خویش را به رژیم ثابت کرده اند. تعهد داده اند تا در شرایط مختلف یار و یاور رژیم باشند و پولی هم به جیب مبارک بزنند. این خود فروشان ارزان قیمت این بار با وارد کردن پرچم رژیم اسلامی، جوانهای

پوشیدن پرچم جنایتکاران با توجیه عشق به فوتبال!

شها نوری

"فیفا" ارزیابی می کنند با وجود علاقه به بازی فوتبال، از دیدن آن خودداری می کنند و تلاش می کنند توجه مردم جهان را به اعتراضات مردم برزیل جلب کنند.

در حالیکه ۱۵/۹ درصد از جمعیت ۲۰۰ میلیونی برزیل زیر خط فقر زندگی می کنند، گفته می شود بیش از ۱۳ میلیارد دلار از بودجه دولت خرج برگزاری مسابقات جام جهانی شده است. بخشی از این سرمایه گذاری نه فقط در جهت سازمان دادن ابزارهای دولتی برای جلوگیری از اعتراضات مردم و یا سرکوب کارگران، جوانان، زنان و مردم فقیری است که در حال حاضر در تظاهرات ها شرکت می کنند بلکه جهت پیشگیری از اعتراضات طبقه کارگر بعد از پایان مسابقات است. اعتراضات گسترده از سال گذشته در اعتراض به صرف هزینه گزاف برای برگزاری جام جهانی، بجای بهداشت، آموزش و پرورش و رفاه مردم برزیل را فرا گرفته است. دولت خانم "چریک" زندان سیاسی سابق بی مهابا مردم را سرکوب می کند و محلات مردم فقیر بی خانمان را با خشونت و جنایت "پاکسازی" می کند.

ایرانیهای خارج کشور و رژیم اسلامی

حضور تماشاگران ایرانی در برزیل از ویژگیهای جالبی برخوردار است که به همه چیز مربوط است بجز به فوتبال. بخشی از آن "فوتبال دوستان" ایرانی که از آمریکا و کانادا به برزیل آمده اند مسئله شان برد و باخت تیم محبوبشان نیست. آنها هم فال می گیرند و هم تماشا می کنند. آنچنان با پرچم شیر و خورشید نشان در خیابانهای برزیل

چند روزی است که از تلویزیون خانه فقط صدای فوتبال می آید. اگر شما هم فرزندی در خانه داشته باشید که به قوی عاشق فوتبال باشد حتما از موقعیتی مشابه برخوردار هستید. اتفاقی که تمامی مسائل جدی جهان امروز را به حاشیه برده است.

کشور برزیل و جام جهانی ۲۰۱۴

برزیل وسیعترین و پرجمعیت ترین کشور آمریکای جنوبی است که با در اختیار داشتن بخشهای گسترده و توسعه یافته کشاورزی، معدن، تولید، خدمات و نیروی کار، دارای قدرت اقتصادی برتر در منطقه است. برزیل بعنوان برگزار کننده جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ میزبان تیم های فوتبال از ۳۲ کشور جهان است که بعد از پیروزی و گذار از مراحل اولیه به برزیل اعزام شدند. صدها هزار دوستدار فوتبال از کشورهای آمریکای جنوبی و دیگر قاره های جهان به سمت برزیل روانه شده اند تا بازیها را از نزدیک مشاهده کنند.

بسیاری از تلویزیون های جهان نزدیک به



یک چهارم از برنامه های روزانه خود را به بازیهای مختلف اختصاص داده اند. میلیون ها انسان در سراسر جهان پای تلویزیون خانه شان یا رستورانی میخکوب شده اند؛ کسانی که هرگز امکان تهیه هزینه سفر و تهیه بلیطهای ۱۰۰ تا ۳۰۰۰ هزار دلاری بازیهای فوتبال را ندارند. در عین حال، معترضین به وضعیت موجود که فوتبال را افیون جدیدی برای مسخ مردم در دست بورژوازی جهانی و سازمان مافیایی

آکسیون اعتراضی بمناسبت سی و سومین سالگرد هولوکاست اسلامی در ۳۰ خرداد ۶۰

روز پنج شنبه ۲۹ خرداد ۹۳، بمناسبت سالروز سی و سومین سال از آغاز هولوکاست اسلامی، آکسیون با حضور انسانهای آزادیخواه و برابری طلب در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار شد. نمایندگانی از سازمان آزادی زن واحد گوتنبرگ سوئد نیز با باندرویل آزادی زن در این آکسیون شرکت کردند. اطلاعیه های سازمان به زبان سوئدی در میان رهگذران پخش شد و ما هم تلاش کردیم در کنار اعضای از حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست و دیگر شرکت کنندگان، یک بار دیگر جنایات جمهوری اسلامی را افشا کنیم و یاد آور آن روزهای مخوف باشیم. آکسیون با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، ما این روز را فراموش نمی کنیم، این روز بادی در تاریخ ثبت شود و همچنین شعار، مرگ بر رژیم اسلامی- تروریستی ایران به پایان رسید.

زنده با آزادی! زنده باد برابری!
مرگ بر آپارتاید جنسی!
۳۰ خرداد ۹۳



پوشیدن پرچم جنایتکاران با توجیه عشق به فوتبال ...

عاشق فوتبال و هیجانانگیز ناسیونالیستی منتج از آن را نشانه گرفته اند تا در خوش خدمتی به رژیم رتبه اول را کسب کنند. آنان عین اجل معلق در تمامی مکانهای تجمع جوانان حاضر بودند تا از احساسات مردم استفاده کرده و تماشاگران فوتبال را در اذهان عموم طرفدار رژیم جا بزنند.



جمهوری اسلامی، هزینه ها، کار فرهنگی! جمهوری اسلامی اما در متن بن بستهای سیاسی و اقتصادی خود از طرفی از حضور زنان در استادیوم های ورزشی در ایران جلوگیری می کند و از طرف دیگر با ولخرجی های میلیاردی زنانی را به برزیل اعزام می کند تا با بالا بردن پرچم رژیم، کار "فرهنگی" سیاسی سازمان دهند. فرش جام جهانی می بافتد و به جام جهانی ارسال می کند. هنرپیشه ها و هنرمندان "عزیز" را برای برگزاری شب ایران به برزیل اعزام می کند. دوربین های تلویزیون ها از بین ده ها هزار تماشاچی یکباره به روی صورت کسانی فوکوس می کند که با پرچم رژیم مشغول ماچ و بوسه هستند و حضرات پوپولیست هم یکباره از حول حلیم به دیگ افتاده و با تحلیل های آبیکی از شادی مردم تجلیل می کنند و یکباره فراموش می کنند که صبح همان روز در خیابان شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. یکباره نه تنها طبقه کارگر برزیل و ایران به فراموشی سپرده می شوند بلکه سالگرد قتل عام ۳۰ خرداد، روزی که به هولوکاست رژیم اسلامی شهرت دارد به حاشیه رانده می شود.

۲ تیر ۹۳

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!



آذر ماجدی

۳۰ خرداد یک روز سیاه در تاریخ بشریت!

مشخصات شان را پیدا کنند یا به خانواده های شان اطلاع دهند. بجرم فلفل نمک در جیب داشتن کودک ۱۳ ساله را اعدام می کردند. برخی از اعدام شدگان را نیمه جان به گورهای دستجمعی حمل می کردند. آنچنان تعداد اعدام شدگان زیاد بود که خط های تولیدی اعدام درست کرده بودند.

سی خرداد ۶۰ آغاز یک نسل کشی در ایران است. آغاز گورهای دستجمعی و بی نام و نشان؛ خودکشی ها برای فرار از درد سخت تر از مرگ؛ روز عزا دار شدن هزاران مادر، پدر، همسر و فرزند؛ روز تولد گورستان "لعنت آباد"، "تف آباد" و خاوران؛ روز خفه شدن هزاران بغض فروخته؛ روز فروافتادن حجاب اختناق بر جامعه؛ روز تنگ شدن پنجه های خفقان دور گلوی میلیون ها انسان؛ روز اعلام بردگی رسمی زنان، آپارتاید جنسی و حجاب اسلامی. روز اجرای حکم الله بر زمین.

این تاریخ را باید با تمام جزئیاتش به ثبت رساند. دنیا باید بداند که از ۳۰ خرداد ۶۰ در ایران چه گذشته است. غم و درد یک جامعه ۷۰ میلیونی باید گفته شود و به ثبت رسد. تمام سردمداران این حکومت، خامنه ای، رفسنجانی، روحانی موسوی، کروبی، احمدی نژاد، لاریجانی، صانعی، مرتضوی، خاتمی و صدها قاتل دیگر باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. تنها پس از سرنگونی این نظام جنایتکار میتوان به قعر اقیانوسی از درد و غم، قتل و جنایت و کشتار دست یافت. طی دهه ۶۰ بیش از صد هزار نفر زندانی سیاسی به قتل رسیدند. تعداد بسیار بیشتری تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفتند. کل جامعه به یک زندان بزرگ بدل شد. زنان را به زور شلاق و زندان به زیر حجاب سیاه بردند، آپارتاید جنسی را در

سی و سه سال پیش رژیم اسلامی در سی خرداد، یکی از خونین ترین حملات ارتجاعی در تاریخ معاصر را علیه جامعه ایران سازمان داد. در این روز، رژیم اسلامی که به شکل روز افزونی با اعتراضات آزادیخواهانه، برابری طلبانه از جانب کارگران، زنان، کمونیست ها و مخالفین خویش مواجه شده بود، طی یک طرح کثیف و خونین جامعه را بخون کشید. هر روز صد ها انسان، صد ها جوان، نوجوان و کودک را تحت شکنجه های وحشیانه در سیاهچال های اسلامی قرار دارد و به قتل رساند. در این روز یک طرح کودتا گونه علیه دستاوردهای انقلاب ۱۳۵۷، علیه حق طلبی و عدالت جویی، علیه آزادی و برابری و رفاه توسط رژیم اسلامی با قساوت و بیرحمی کم سابقه ای به اجراء در آمد.

سی خرداد ۱۳۶۰ آغاز یک قتل عام وحشیانه است. ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ یکی از سیاه ترین روزهای تاریخ نه تنها مردم ایران، بلکه بشریت است. روز یک کودتای خونین علیه یک جامعه است، مثل روز کودتای اندوزی در دهه ۶۰ میلادی، روز ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳، روز کودتای خونین پینوشه در شیلی، مثل روزهای سیاه و خونین دیگری در تاریخ معاصر. در این روز جمهوری اسلامی که موقعیت خود را متزلزل می دید، رشد و قدرت یابی جنیش کارگری، زنان و کمونیستی را مشاهده می کرد، یک نیروی سرکوب سیاه را علیه مردم سازمان داد. وحشیانه حمله کرد، گرفت، زد، تجاوز کرد و کشت. سی خرداد ۶۰ نفس ها را در سینه یک جامعه چند ده میلیونی حبس کرد. تا ماه ها هر شب یک لیست چند صد نفره از جوانانی که وحشیانه تیرباران شده بودند در روزنامه های عصر بچاپ می رسید. برخی فقط با نام کوچک شان معرفی شده بودند: اکرم، بهزاد، حسین، معصومه، پریسا، احمد و... این جنایتکاران حتی بخود زحمت نمی دادند نام فامیل آنها، آدرس شان،

جامعه حاکم کردند، سنگسار و دست و پا بریدن را به یک رویداد معمول در جامعه بدل کردند، به کردستان لشکر کشی کردند، حجاب سیاه اختناق را بر کل جامعه کشیدند. سی خرداد آغاز یک انتقام خونین از مردمی بود که بخود جرئت داده بودند علیه فقر، اختناق، نابرابری، تبعیض، دزدی و فساد طبقات حاکم انقلاب کنند.

سی خرداد، نقطه اتصال دو جناح رژیم
سی خرداد نقطه سیاه و خونین مشترک کلیه جناح های رژیم، تمام دست اندرکاران سابق و کنونی رژیم اسلامی است. این تاریخ مشترک "افتخارات جنایتکارانه" جناح هار حاکم و اصلاح طلبان حکومتی است. روحانی از سردمداران و مقامات بالای نظام و یار نزدیک خمینی بود. میر حسین موسوی "سبز" در این دوره سیاه از کار بدستان اصلی رژیم بود. نخست وزیر نظام بود. بهزاد نبوی معاون نخست وزیر و سردمدار لمپنیسم اسلامی علیه آزادیخواهی و کمونیسم است. اکبر گنجی از عوامل اصلی زندان و شکنجه و حاکمیت رژیم اسلامی است. از لات های بی سر و پای اسلامی است که زنان بی حجاب را مورد اذیت و آزار قرار می داد و بر پیشانی شان پونز می کوباند. محسن سازگارا از بنیان گذاران سیاه پاسداران و از مهره های اصلی سرکوب خونین دهه ۶۰ است. جلایی پور از چهره های شامخ این جنایتکاران است، تنها یکی از جنایات او اعدام ۵۹ نفر در یک نوبت در شهر مهاباد است. بنی صدر رئیس جمهور و فرمانده کل قوای حمله خونین به کردستان است. فرمانده ای که

معروف، "از حب علی نیست، از بغض معاویه است".

سی خرداد روز برادری تمام این موجودات است. سی خرداد همه شان زیر عیای "امام" شان خمینی به صف بودند و به پیروی از دستورات او خون می ریختند و به آتش می کشیدند، درست عین اجداد "عیور" اسلامی شان. همه شان به دست بوسی امام شان میرفتند. این یک تلاش مذبحخانه برای ایجاد یک فراموشی کلکتیو در جامعه است. این تلاشی مزورانه برای تغییر چهره و بزرگ کردن صورت اصلاح طلبان حکومتی است. اما ما نخواهیم گذاشت. ما یاد ندا را به همراه بیش از صد هزار انسانی که در دهه شصت در زندان های رژیم شکنجه و اعدام شدند، گرامی می داریم. ما تمام جانیمان و همدستان شان را به دنیا معرفی خواهیم کرد. این رژیم را به زیر می کشیم و در تریبونال های مردمی تمام این جنایتکاران را به محاکمه خواهیم کشید. این تنها راه تضمین گوشه ای از عدالت است. سی خرداد باید بعنوان یک روز سیاه و خونین در تاریخ مردم ایران و بشریت به ثبت رسد.

ما این کار را تضمین خواهیم کرد* .

کوشند که تاریخ سی خرداد را زیر خاک کنند و باین ترتیب جنایات خود را از یادها ببرند. قصد دارند تاریخ شرکت شان در راس کشتارها و شکنجه ها را از حافظه جامعه پاک کنند؛ دارند روی فراموشکاری مردم و بی اطلاعی نسل های پس از سی خرداد از این تاریخ حساب باز می کنند. تلاشهای نادانه دیگری نیز انجام گرفته است که در سی خرداد بدلائل دیگری اعتراض شود. اما ما نگذاشته ایم و نخواهیم گذاشت که این نقشه های شوم و نادانی های خوش نیتانه متحقق شود. روز سی خرداد باید بعنوان یک روز سیاه و شوم در تاریخ بشریت به ثبت رسد.

قتل ندا، قلب میلیون ها نفر را بدر آورد. اما تلاش جنبش ملی - اسلامی، سردمداران جنبش سبز و اکثریتی - توده ای ها برای تبدیل روز سی خرداد به "روز ندا" در تاسف از پرپر شدن زندگی یک زن جوان نیست، از درد یک جنایت وحشیانه نیست، تاکتیکی در جهت تسریع سرنگونی رژیم اسلامی نیست، بلکه تلاشی آگاهانه برای زیر خاک کردن سی خرداد ۶۰ و تمام آن تاریخ خونین و ننگینی است که همگی شان در آن دست داشتند. بقول ضرب المثل

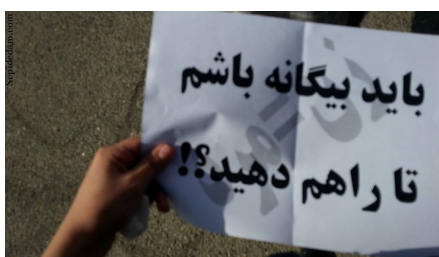
۳۰ خرداد یک روز سیاه در تاریخ بشریت ...

اعلام کرد تا "غانله کردستان را سرکوب نکند، چکمه از پا در نخواهد آورد." سروش، طراح و مجری انقلاب فرهنگی کتیف اسلامی است. احمدی نژاد تیر خلاص زن نظام در زندان های اسلامی در این دوره است. خامنه ای و رفسنجانی که از روز اول و همیشه در راس امور بوده اند. خاتمی و کروبی از سردمداران و نزدیکان خمینی اند.

اینها همه دست در دست هم دست در خون هزاران هزار انسان دارند. همه با هم و شانه به شانه هم جامعه میلیونی ایران را در قعر اختناق، فقر و خرافه فرو بردند. همه با هم "انقلاب فرهنگی" خونین اسلامی شان را علیه روشنگری، آزادیخواهی و کمونیسم سازمان دادند و دانشگاه ها را به خون کشیدند. همه با هم آپارتاید جنسی را در جامعه پیاده کردند و با شعار "یا روسری یا توسری" به زنان حمله ور شدند؛ کارگران بیکار را که برای کار و نان اعتراض میکردند به خون کشیدند؛ شوراها و مجامع عمومی کارگری را با شعار "شورا، پورا مالیده!" متلاشی کردند؛ و کوشیدند هر نوع بروز آزادیخواهی، برابری طلبی، روشنگری و ترقیخواهی را از صفحه جامعه پاک کنند.

اما از سال ۱۳۸۹ یک تلاش مزبوحانه و مردردانه ای از جانب جنبش ملی - اسلامی، اصلاح طلبان حکومتی و توده ای ها و اکثریتی ها سازمان یافته است تا سی خرداد را به روز مرگ "ندا" که در همین روز در زمان جنبش عظیم توده ای مردم در سال ۸۸ بقتل رسید بدل کنند. قتل ندا و تمام صدها انسانی که در این سال توسط این رژیم جنایتکار بقتل رسیدند؛ ندا ها، ترانه ها، سهراب ها و اشکان ها دردناک و وحشیانه است. یاد این عزیزان را باید گرامی داشت. اما این جانیمان "اصلاح طلب" از روی انسان دوستی و دلسوزی به حال این جوانان نیست که می کوشند سی خرداد را به روز ندا بدل کنند، با اینکار آنها می

تظاهران زنان در تهران برای ورود به استادیوم



مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!

لازم به اشاره است که ثروتمندانی وارد این فهرست می شوند که ارزش خالص ثروت قابل سرمایه گذاری آنها دست کم یک میلیون دلار باشد. این ثروت شامل ارزش محل اقامت اصلی فرد، کلکسیون های هنری و خودروهای ورزشی نمی شود.

گزارش شرکت مشاوره اطلاعات کاپژمینی می گوید ۴۰ درصد از ثروت این فهرست ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفری طرف پنج سال گذشته تولید شده است. یعنی طی سالیانی که یک بحران گسترده و عمیق اقتصادی جهان را فرا گرفته است و بخش اعظم مردم را دچار فقر و فلاکت بی سابقه ای کرده است؛ در شرایطی که بیکاری وسیع، بیخانمانی، گرسنگی مطلق جهان را فرا گرفته است و طبق آمارهای جهانی سی میلیون برده در جهان وجود دارند. این اعداد بیجان بروشنی حقیقت تلخ دنیای نابرابر، ناعادلانه و وارونه سرمایه داری را به نمایش می گذارد. دنیا را باید بر قاعده اش قرار داد. سرمایه داری را باید واژگون کرد تا دنیایی آزاد، برابر و مرفه برای همگان ایجاد نمود.

یافته و با اضافه شدن یک میلیون و ۷۶۰ هزار نفر به این فهرست، تعداد ثروتمندان بزرگ به ۱۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر رسیده است. تنها در بریتانیا ۶۲ هزار نفر به این فهرست افزوده شده اند.

بنا به همین گزارش در سال ۲۰۱۳، آمریکا با ۴ میلیون ثروتمند بزرگ، ژاپن با دو میلیون و ۳۰۰ هزار، آلمان یک میلیون و یکصد هزار و چین با ۷۰۰ هزار نفر، در صدر جدول کشورهای قرار دارند که دارای بیشترین ثروتمندان جهانند. پس از چهار کشور صدر جدول، بریتانیا، فرانسه و سوئیس کشورهای هستند که ثروتمندان آن در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است.

آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد می گوید در سال ۲۰۱۳ بیش از پنجاه میلیون نفر به خاطر جنگ، خشونت و سرکوب دولتی، شکنجه و آزار و اذیت در طبقه بندی پناهندگان قرار گرفته اند یا در داخل کشورهایشان آواره شده اند.

از زمان جنگ دوم جهانی، این بیشترین میزان رشد آوارگان در سطح جهان است. این رقم، همچنین شش میلیون نفر بیشتر از سال قبل از آن است. از این تعداد، حدود هفده میلیون نفر از کشورهای خود فرار کرده اند و بیش از سی و سه میلیون نفر نیز در داخل کشورهایشان آواره شده اند.

به گزارش شرکت مشاوره اطلاعات و مدیریت کاپژمینی، شمار ثروتمندترین افراد جهان در سال ۲۰۱۳ افزایش چشمگیری

مبارزه با فحشاء

- مبارزه فعال با فحشاء از طریق از میان بردن زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن و مقابله قاطع با شبکه های سازماندهی فحشاء، دلالان، واسطگان و باج خورها.
- ممنوعیت اکید هر نوع سازماندهی فحشاء، دلالی، واسطگی و بهره کشی از افرادی که مبادرت به تن فروشی میکنند.
- غیر جنایی کردن زندگی و کار افرادی که دست به تن فروشی میزنند. کمک به بازیابی حرمت اجتماعی و احترام به نفس آنها و کوتاه کردن دست شبکه ها و باندهای جنایتکار از زندگی آنها از طریق:
- رفع ممنوعیت فروش سگس بعنوان یک شغل فردی و حمایت قانون و نهادهای انتظامی از این افراد در مقابل شبکه ها و باندهای گانگستری، باج خورها و اوباش.
- صدور جواز کسب برای افرادی که بعنوان یک شغل فردی مبادرت به تن فروشی میکنند، مصون داشتن شخصیت و حیثیت آنها بعنوان شهروندان محترم جامعه و کمک به سازمانیابی آنها در سازمان صنفی خویش.
- ارائه رایگان خدمات پزشکی ویژه پیشگیرانه و درمانی برای مصون داشتن این افراد از بیماری ها و صدمات ناشی از مبادرت به این حرفه.
- کار آگاهگرانه، ترغیب و مساعدت های عملی نهادهای مسئول دولتی به افراد تن فروش در کناره گیری از این حرفه، کسب مهارت و آموزش لازم برای اشتغال در بخش های دیگر جامعه.

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

یک رکن اعتراض سوسیالیستی است.

و بالاخره، کمونیسم کارگری خود را در صف اول هر تلاش بزرگ و کوچک برای احقاق حقوق و تغییر قوانین و چهارچوبهای سیاسی به نفع زنان میداند. کمونیسم کارگری مبارزه روزمره و مستمر برای بهبود و ارتقای حق و حرمت زنان در چهارچوب همین نظام را در راستای تلاش برای نفی تبعیض و نابرابری بنیادی نظم کنونی میداند. برای ما هر ذره حرمت و حقوق زنان مهم است. هم حقوق زن فی النفسه برای ما مهم است و هم هر ذره پیشروی جنبش آزادی زن را در موقعیت بهتری برای فتح پله های بعدی قرار میدهد. کمونیسم کارگری با اصلاحات یک رابطه مادی و انسانی برقرار میکند. کمونیسم کارگری اساساً جنبشی برای اعاده حقوق و حرمت و آزادی و رفاه انسانهاست. کمونیسم کارگری در عین حال خود را محدود به تلاش برای تغییر قوانین و اصلاحات نمیکند و تلاش برای تحمیل اصلاحات را با افق و سیاست رفرمیستی یکی نمیداند. برای ما هر درجه تحمیل عقب نشینی به جمهوری اسلامی مهم است و این پشتوانه حضور قدرتمندتر زنان برای نفی اوضاع کنونی است.

- از مطلب جنبش های اجتماعی و آزادی زن، سیاوش دانشور

Www.azadizan.org



جایگاه جنبش آزادی زن برای کمونیسم کارگری

تحولات آتی اند. باید تاکید کرد که “انقلاب زنانه” در ایران با افق نفی کامل تبعیض و نابرابری، به ایران محدود نخواهد شد و به الگویی برای عروج قدرتمند سکولاریسم و سوسیالیسم در کشورهای خاورمیانه و دیگر کشورها تبدیل میشود. جنبش آزادی زن در ایران به این اعتبار یک فاکتور فرا ایرانی و در تقابل با اسلام سیاسی فاکتوری منطقه ای و جهانی است.

رابعا، “سوسیالیسم”، برای کارگر و انسان مورد تبعیض یک کلیشه و یا یک شعار نیست. سوسیالیسم خود را در اعتراض به نابرابری، در تلاش روزمره برای رفع تبعیض، در تمایل و تلاش برای آزاد بودن معنی میکند. یک جنبش قدرتمند کمونیستی کارگری که پرچم آزادی جامعه را برافراشته است، جنبشی برای بسیج کل پتانسیل آزادیخواهی و برابری طلبی و تمایلات سکولاریستی و ضد مذهبی برای الغای آپارتاید جنسی و پائین کشیدن پرچم آنست. جنبش آزادی زن یک سنت سوسیالیستی بوده، پیشروی آن پیشروی سوسیالیستها بوده، و امروز بویژه در ایران و با وجود جنبش و اعتراض کمونیستی کارگری به اوضاع کنونی، جنبش برابری زن و مرد

کمونیسم کارگری بنا به نگرش پایه ای اش که جنبشی برای نفی تبعیض و نابرابری در کل جامعه است، برخلاف دیگر گرایشات و سنتهای سیاسی به جنبش برای حقوق و آزادی زن برخوردی ایزاری و منفعت طلبانه اپورتونیستی ندارد. برخورد کمونیسم کارگری به مبارزه جاری زنان و مردان برای رفع تبعیض برخوردی اجتماعی و واقعی، با حضور فعال در این مبارزه است.

اولا، کمونیسم کارگری مسئله تبعیض بر اساس جنسیت را در دنیای امروز محصول نیازهای اقتصادی سرمایه داری میداند که بازتاب آنرا میتوان در کلیه قلمروهای اقتصادی و سیاسی و قانونی و فرهنگی و در خانواده مشاهده کرد. لذا برای کمونیسم کارگری نفی آپارتاید جنسی به نفی نظامی گره میخورد که بانی و مسبب آنست: یعنی سرمایه داری.

ثانیا، برای کمونیسم کارگری امر نفی تبعیض و نابرابری بلافاصله به نیروی اجتماعی ای گره میخورد که عملا برای نفی این تبعیض و نابرابری بمیدان آمده است. لذا کمونیسم کارگری برخلاف دیگر جریانات اجتماعی که تلاش دارند اعتراض زنان را در چهارچوبهای حکومتی، قانونی-اسلامی، ناسیونالیستی-حقوق بشری، محدود و زندانی کنند، و به این اعتبار بنیان نابرابری را تداوم دهند، مسئله آزادی زن را بعنوان معیار آزادی جامعه یک رکن استراتژی سیاسی خود قرار میدهد. کمونیسم کارگری برای تغییر به نیروی اردوی آزادی و برابری در مقیاس جامعه متکی است و جنبش برای آزادی زن یک گرایش قدرتمند اجتماعی است که مهر خود را بر هر تحول سیاسی در ایران میکوبد.

ثالثا، هر تحول انقلابی و توده ای و رادیکال در ایران بناچار رنگی “زنانه” دارد. یعنی زنان یک فاکتور مهم اجتماعی و درگیر

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

۵۰ میلیون آواره جنگی در سال ۲۰۱۳

آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد می‌گوید در سال گذشته میلادی (۲۰۱۳) بیش از پنجاه میلیون نفر به خاطر جنگ یا شکنجه و آزار و اذیت در طبقه‌بندی پناهندگان قرار گرفتند یا در داخل کشور هایشان آواره شدند.

از زمان جنگ دوم جهانی، این بیشترین میزان رشد آوارگان در سطح جهان است. این رقم، همچنین شش میلیون نفر بیشتر از سال قبل از آن است.

از این تعداد، حدود هفده میلیون نفر از کشورهای خود فرار کرده‌اند و بیش از سی و سه میلیون نفر نیز در داخل کشور هایشان آواره شده‌اند.

برنامه کامپیوتری برای کمک به جلوگیری از ازدواج اجباری

دولت نروژ برای کمک به کسانی که در معرض ازدواج اجباری قرار دارند نرم افزاری قابل استفاده در گوشی های هوشمند طراحی کرده است.

این اپلیکشن که با استقبال جوانان روبرو شده به آنها کمک می‌کند تا مقامات مسئول را در جریان ازدواج اجباری خود قرار دهند.

بر اساس قانون تازه‌ای که از روز (دوشنبه، ۱۶ ژوئن) در انگلستان و ولز به اجرا در می‌آید، والدینی که فرزندانشان را مجبور به ازدواج کنند، مجرم شناخته می‌شوند.

بنا بر قانون جدید، ارتکاب چنین جرمی می‌تواند مجازاتی تا حداکثر هفت سال زندان در پی داشته باشد.

برآورد میشود که سالانه هزاران دختر و زن جوان در انگلستان و ولز مجبور به ازدواج می‌شوند که بیشتر آنها از کشورهای جنوب آسیا مانند پاکستان و هند آمده‌اند.

سال گذشته بیش از ۱۳۰۰ قربانی ازدواج اجباری با مسئولان دولتی تماس گرفته‌اند که از هر شش نفر، یک نفر از آنها کمتر از ۱۵ سال سن داشته است.*

آزادی زن

نشریه سازمان آزادی زن

www.azadizan.net

سردبیر: آذر ماجدی

majedi.azar@gmail.com

هیئت تحریریه:

آذر ماجدی، سیاوش دانشور

زنده باد اعتراض

گسترده زنان علیه

حجاب و آپارتاید

جنسی!

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت ۱۸/۳۰ بوقت

تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: ۱۱۶۴۲ سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

KMTV

به سازمان آزادی زن پیوندید!